

## توافق همکاری امارات متحده عربی با اسرائیل یا تأیید جنایات رژیم منحوس صهیونیستی



اشغال بیرحمانه و کشتار قساوت‌مندانه مردم مظلوم فلسطین، فاجعه‌های اندوهناک قرن، تراژیدی غمگین و ننگین در تاریخ بشر، زخم دردناک بر پیکره ی امت اسلام و آزار دهنده ترین رنج بر روان آنهاست که افتخار پیروی از قرآن را دارند، می باشند.

سرزمین فلسطین گرچه خموش است اما با صدها حنجره و حلقوم فریاد بر میدارند؛ جوامع اسلامی و بشری را نسبت به سرنوشت و حقوق مورد تجاوز واقع شده خود، فرا میخوانند. رژیم منحوس و بی رحم صهیونیسم اسرائیل و مردم محروم فلسطین دوطرف درگیر در همان سرزمین می باشند.

از یک سو، وحشت، تجاوز، بی رحمی، قساوت، کشتار و غارت می بارد. از سوی دیگر، مظلومیت، اندوه، کشته شدن، مقاومت و پایداری چشم های را خیره میسازد.

اینک امارات متحده عربی، با طرفداری از رژیم صهیونیستی، در سایه میانجیگری دونالد ترامپ، با اسرائیل توافقنامه همکاری و عادی سازی رابطه ی دیپلماتیک خویش را امضا کرد و رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت.

متحده عربی، رژیم صهیونیستی را بمعنای اینست که این بیماران تاریخ و فاقد وجدان انسانی، خیانت نابخشودنی به حق مسلم مردم و به خون سرخ هزاران شهید فلسطین کرده است. بزرگترین جفا به حق مردمی است که حق انسانی زیستن را از آنها ربوده اند.

برتر از این باید گفت که امارات متحده عربی با این توافق و همکاری استراتژیک شان، با روی تمام آیات و روایات دینی گذاشت و پیوند شان را با "انمالمومنین" اخوه قطع کرده واز "من اصبح ولم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم" فاصله ی بسی دور پیدا کرده است. به کشورهای اسلامی

و به سازمان کنفرانس اسلامی می رسانیم که امضای توافقنامه همکاری امارات متحده عربی با رژیم صهیونیستی، یک آژیر کاملن هشدار دهنده و اعلان خطر بسیار تکان بخش است که با پیش قراولی امارات واز فیلتر رژیم صهیونیستی نه تنها مردم فلسطین که همه کشورهای اسلامی طعمه ابرقدرتها خواهد شد. و در اسارت همیشگی به سر خواهد برد. در عین حال فراخوانی پنهانی است به تمام جوامع اسلامی که از خواب غفلت بیدار شده و با خیانت من، شما نسبت به حل همه جانبه ی مسائل فلسطین اهتمام بورزید. و همچو من خائن به خون شهدای فلسطین نباشید.

مطابق با لایه های پنهانی این توافقنامه کشورهای اسلامی و سازمان کنفرانس اسلامی برای پاسداری از خون شهداء و برای دفاع از حقوق پایمال شده ی مردم فلسطین همه باهم امارات متحده عربی را محکوم سازیم و تمام روزنه های ارتباطی و تعاملات خویش را با این کشور بسته نمایم .

بناءً حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان بعنوان یک جریان سیاسی اسلامی رسالت خود میداند که همواره جهت حمایت از حقوق مردم فلسطین گام های استواری برداشته و خواهد برداشت.

## فرصت های که پشت سر هم تلف گردیدند طالبان چالشها و تحولات

اداره حاما



آقایان کرزی و غنی فرصت های طلایی را که نصیب افغانستان شده بود ضایع ساختند، چون در داخل پایه مردمی نداشتند، دنبال تیوری توطیه علیه رقیبان سیاسی شان برای بدست آوردن قدرت خیالی تک قومی با احساسات مردم بازی نمودند تا برای خود لشکر قومی درست کنند، چنانچه مدارا با طلب و جلو نابودی ماشین جنگی طالب در راستای همین استراتژی قرار داشت اما این تکنوکرات

های قوم گرا نتوانستند این را درک کنند که طالبان بر علاوه نیروی قومی یک نیرو اعتقادی و ایدئولوژیک هم استند، چنانچه به گفته خود شان در راه اعتقاد شان با خون شان امارت ساختند و امروز با خون شان توانستن منحیت یکطرف قدرت سیاسی نظامی درمیز مذاکرات در سطح جهان مقدمتر از دولت کابل قرار گیرند، به هر حال اکنون که طالبان بر این ملت تحمیل و به یک واقعیت در سرنوشت سیاسی نظامی کشور مبدل ساخته شده اند پس یک مسله را نباید فراموش کرد، که امروز دیگر دیروز نیست، این قانون تکامل است برگشت در کار نیست، هیچ قدرت دوباره نمیتواند طالب دیروز را دوباره احیا کند از سوی دیگر جامعه سنتی ما باید قطعاً و جبراً این مراحل را پشت سر بگذراند به نظرم از حکومت تکراری غنی و آن جنگ موش و گربه که اراده و طرح شکست و نابودی نظامی طالبان در استراتژی جنگی غنی مطرح نبود، تبدیل طالبان به یک نیروی سیاسی بیشتر به نفع مردم است چون در هر صورت

دیروز هم تاوان جنگ با طالب را فقط مردم میپرداختند امروز آمدن طالب خود تحولات جدید را بدنبال خواهد داشت، عمر طالب در مرحله حکومت داری به مراتب کوتاه تر از عمر جنگی آنها خواهد بود، با ورد طالب و داخل شدن در تشکیلات دولتی عمر طالب هم به شمارش معکوس خواهد افتاد چون طالب در عرصه سازندگی هیچکار نخواهد توانست و لذت قدرت، دوباره به کوه رفتند و سلاح گرفتن را مانند رهبران مجاهدین از آنها هم خواهد گرفت، پس بگذارید افغانستان از این مرحله هم گذر کند، نفس گذر و تغییر، تحولات و سازندگی را بدنبال خواهد داشت، حکومت های تکراری فاجعه است که فاز اول آنرا کرزی بنیاد نهاد و تکرار آنرا غنی میخواست، چنانچه دیدیم که چگونه با با امار کم اما تقلب بالا با چنگ و دندان بقدرت چسبیده، میخواست باز هم با یک دور پنج ساله تکراری دیگر وجودش را در قدرت حفظ اما وقت ملت را ضایع کند.

## غنی: هیچ تضمینی وجود ندارد که زندانیان آزاد شده دوباره به تهدید امنیتی تبدیل نشوند

بازگشت به میدان جنگ داشتند هرگز اعتنایی نکردند. اینبار که ۵۱۰۰ نفر را باراول رها کردند نیز همین سخن در میان بود( نباید به میدان های جنگ بازگردند) و اخیراً که بخاطر رهایی چهارصد زندانی توسط جرگه بزرگ مشورتی تصمیم گرفتند و ۳۳۰ میلیون افغانی را هم از بودجه مردمی که بعضاً شبها را گرسنه سپری می کنند مصرف نمودند.



جای بسی تعجب اینکه وقتی جرایم افراد رها شده را بیان میداشتند جرایم بی نهایت سنگین بود مثلاً قاتل، اختطاف گر، قاچاق بر مواد مخدر و امثال اینها ولی باز هم به رهایی اش اصرار می ورزید و تنها دلیل هم همین که این موضوع در توافقنامه امریکا و طالبان ذکر گردیده است. حالا شما تفصیل این ماجرا را خود در باره اش فکر کنید.

از طرفی طالبان رها شده معلوم است که مرتکب یکی از جرایمی مثل قتل، اختطاف، قاچاق مواد مخدر، برهم زدن امنیت و نظم عامه و یا حد اقل عضو گروه طالبان که در صف مقابل دولت قرار دارند بوده است. اما یک هزار نفری را که طالبان رها کرده کسی نگفت که در کجای دولت و چکاره بوده اند. ادعا های وجود دارد که دهها نفر

رئیس جمهوری افغانستان می گوید دولتش جدول زمانی برای مذاکرات ندارد محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانستان می گوید که هیچ تضمینی وجود ندارد که زندانیان آزاد شده گروه طالبان، دوباره به تهدید امنیتی تبدیل نشوند.

آقای غنی شام پنجشنبه ۲۳ اسد در صحبتی از راه دور با شورای روابط خارجی امریکا، تاکید کرد که صلح در جهان همواره هزینه داشته و آزادی این زندانیان هزینه ای است که افغانستان در این مرحله پرداخت.(بی بی سی) تجارب قبلی هم نشان داده که زندانیان آزاد شده دوباره سلاح به دست گرفته از جنگ و حمله تا حملات انتحاری را انجام داده اند و به تهدیدی که هنگام رهایی مبنی بر عدم

ادامه صفحه ۴



# استقلال!

■ غلام علی صارم

میخواهد برای خودش تصمیم بگیرد و در کلیه امور داخلی و خارجی خود اشراف داشته باشد. با این توضیح وقتی به تاریخ نگاه کنیم افغانستان در گذشته ها یا قبل از اعلان استقلال از این مزایا برخوردار نبوده و دیگران برایش تعیین سرنوشت می نمودند.

بعد از اعلان استقلال:

وقتی حبیب الله کشته شد و امان الله پسرش تاج و تخت را تصاحب کرد، نخستین اقدامش اعلان استقلال بود که با شمشیر برهنه به حضور مردم آمده و افغانستان را کشور مستقل در امور داخلی و خارجی اعلان نمود. و در همان مجلس نماینده انگلیس را مخاطب قرار داده و گفت: که به مرکز خود اطلاع بدهد.

سوال اینجاست که آیا ما بعد از این اعلان صاحب استقلال شدیم یا نه؟ آیا با کوتاه شدن دست انگلیس دیگر دستی به سرنوشت ما و مملکت ما دراز نشد؟

آیا امان الله شاه تعهداتی را که با مردم داشت عملی کرد یا نه؟ و آیا تا آخر به تعهدات خود پای بند بود یا نه؟

اوراق تاریخ نشان میدهد که شاه جوان و دموکرات دیری نگذشت که دست به یک سلسله خشونت ها زده و تعدادی از مخالفین خود را به بهانه های واهی، از جمله در ارتباط با قتل پدرش، از بین برد که یک نمونه اش شهادت شاه علی رضا خان بود که او در شب قتل حبیب الله پدرش هم قاتل و هم شخصی که او را در فرار نموده کمک می کرد شناخته بود و تاجاییکه به قول خودش پوشتین جدش عبدالرحمن جلاد تاریخ افغانستان را پوشیدنی شد. اگر چه او نسبت به خیلی از شاهان گذشته کارهای مثبتی را انجام داده است، رشد مکاتب، مطبوعات آزاد، اولین قانون اساسی کشور از دست آورد ها مثبت اوست، اما روزی و روزگاری فرارسید که خود حتی مرز ممنوعیت دوزن داشتن را نیز شکست و در قسمت روابط خارجی اش خود اظهار داشت (مقصود من به هر نحوی که در ظاهر تعبیر گردد در واقع این است که اگر انگلستان موقع بدهد قدم به قدم به آن نزدیک شوم و تنها مناسبات حسن همجواری را با روسیه حفظ نمایم) (۱)

البته این درحالی است که دوستی او با روسیه پیشرفت های زیادی نموده بود و او نخستین پادشاه یک کشور اسلامی بود که حکومت کمونیستی روسها را بعد از آن همه قتل عام مسلمانان آسیای میانه به رسمیت شناخته بود.

جمله بالا بیانگر این است که ایشان همچون پدران خود روابط با انگلیس را ترجیح میداده و صرف از احساسات ضد انگلیسی مردم برای تحکیم پایه های قدرت خویش استفاده نموده است.

امضای قرار داد ۱۹۱۹ در راولپندی و ۱۹۲۱ در کابل نشان میدهد که اگر موضوع دیورند را دیگران یک بار امضا کرده ایشان دو بار امضا کرده اند.

با یک نتیجه گیری مختصر میتوان با صراحت گفت که این اعلان استقلال هم نتوانست افغانستان را به استقلال واقعی برساند، چنانچه اگر در نه (۹) سال سلطنت امان الله خان خود را مستقل حساب نماییم بعد از آن یکبار دیگر عملاً کشور ما به یک مستعمره تبدیل شد، حکومت شاهی نادر شاه و بعد از آن پسرش و عصر داود خان و کمونیست های بی وطن و تا ایندم که ظاهراً ما مستقل خطاب می شویم، روزی را بنام احیا و استرداد استقلال جشن می گیریم، انتخابات برگزار می کنیم و امثال اینها.....

آیا با ترجمه و توضیحی که از استقلال به عمل آمد ما مستقیم ؟ با صراحت باید بگوییم که در شرایط فعلی سخن از استقلال گفتن، افغانستان را مستقل خطاب کردن و روزی را به عنوان روز استقلال تجلیل کردن طنزی است آمیخته با یک تراژدی خونین. در حالیکه تعیین سرنوشت ما، امضای قرار داد ها و روابط ما با دنیای خارج همه وابسته به نظریات دیگران است، ما چگونه کشور خود را مستقل خطاب نماییم؟

امروز افغانستان نه تنها در بعد سیاسی بلکه در همه ابعاد زندگی وابسته به دنیای خارج است و اینجا سخن گفتن از استقلال معنی ندارد.

منابع: ۱- تحلیل سیاست خارجی افغانستان از احمدشاه بابای درانی تا حامد کرزی - عبدالحمید مبارز ص ۲۳۸

وقتی به فرهنگ های لغت رجوع نماییم اکثرأ به معانی شبیه بر میخوریم و در ترجمه که از این کلمه صورت گرفته چندان تفاوتی به نظر نمی رسد، و در مجموع در می یابیم که استقلال یعنی: خود اتکایی، نفی حکومت های بیگانه، مستقل بودن، عدم وابستگی، آزاد بودن در تصمیم گیری و.....

استقلال بازتاب حاکمیت ملی در ابعاد مختلف خارجی و داخلی میباشد، همانگونه که در بحث تشکیل دولت میخوانیم که دولت باید دارای چهار شرط اساسی باشد (جمعیت، سرزمین، قدرت سیاسی و حاکمیت ملی) استقلال نیز بستگی به این امر داشته و مهمتر از همه لازمه داشتن استقلال حاکمیت ملی است و بدون حاکمیت ملی استقلال و موجودیتش را میتوان کاملاً سوال برانگیز پنداشت.

وجود و یا عدم استقلال را اگر به بررسی بگیریم باید از ابعاد گوناگون مثل استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... به آن نگاه کنیم.

اما در این نوشتار تصمیم ما این است که استقلال را در یک مفهوم کلی و بناچار با مختصر عطفی پیرامون مسایل سیاسی در حیطه کشور خود ما افغانستان به بررسی بگیریم، البته تا آنجا که ظرفیت و گنجایش مطلب در اینجا بما اجازه میدهد. نخست نگاه مختصری می اندازیم به دوره های قبل از اعلان استقلال از سلطه انگلیس و بعد از اعلان استقلال توسط شاه امان الله خان.

قبل از اعلان استقلال:

اگر توجه را به سه قرن اخیر معطوف بداریم، در می یابیم که نخستین کسی که در این دوره مبارزه استقلال طلبی را آغاز و کشور را از سلطه استعماری خارجی ها نجات داده و به تشکیل حکومت مستقل پرداخت میرویس خان هوتکی بود.

اما هوس بازی های پسرش شاه محمود بازمی یک دوره رکود را به افغانستان تحمیل کرد، بی کفایتی های او و شاه اشرف پسر عمویش افغانستان را در معرض تجاوز مجدد قرار داد. و این بار کشور دچار اختلافات و خانه جنگی های که همه از خارج سیورت می شد گردید. تا اینکه این خط توسط احمد شاه ابدالی شکست و افغانستان در عصر او به یکپارچگی مجدد دست یافت و حکومت خود را مستقرانه آغاز نمود.

عصر تیمور شاه پسرش که پایتخت مملکت را به کابل منتقل ساخت نیز عصر مستقل بودن کشور در امور داخلی و خارجی بود. اما بعد از فوت او کشور دچار بحران گردید، اختلاف شهباده ها بر سر قدرت، افغانستان را به حکومت های ملوک الطوائفی تبدیل کرد و هر کدام بخاطر بدست آوردن قدرت حلقه غلامی کشوری را به گردن آویختند.

جنگ های اول و دوم با انگلیس حاصل بوالهوسی های حکام وقت بود که کشور را نهایتاً گرفتار تجزیه از چند جناح گردانید که مناطق غصب شده همچنان از پیگر افغانستان جدا هستند. معاهدات امضا شده توسط عبدالرحمن خان و پسرش حبیب الله با انگلیس ها لکه های ننگینی است در دامن تاریخ کشور ما. استعمار انگلیس هرآنچه خواست بوسیله نوکران خود ش در این کشور تحمیل کرد. حتی با آثار فرهنگی این کشور مبارزه کردند، تخریب مصلاهای بزرگ هرات بوسیله عبدالرحمن خان که به دستور انگلیس صورت گرفت، عمق کینه و عداوت انگلیس را نسبت به افغانستان و حماقت شاه خائین این کشور را نشان میدهد.

واما! خوب است که در همین مختصر هم به منظور جلوگیری از پراکندگی باقی مطلب را از دید سیاسی ادامه دهیم.

برای هر فرد و انسانی و یا جامعه ای استقلال به عنوان یک ارزش مطرح است و از آن پاسداری و حمایت می کنند و برای کسب آن تلاش نموده و چه بسا دیده شده که در این جهت قربانی های بیشماری هم داده اند.

وقتی به نظریات علما و دانشمندان رجوع کنیم فقدان استقلال را نشانه ذلت و زبونی و وجود آنرا مایه عزت و سربلندی میدانند و اینکه ما استقلال را بعد از مختصر توضیحی تنها از لحاظ سیاسی تحت فوکس قرار دادیم به این دلیل که کلیه قوانین یک کشور اعم از اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... تحت نظر سیاست شکل می گیرند و معمولاً قوانین یک کشور توسط بزرگان سیاست آن کشور تدوین می شود.

و استقلال سیاسی در کل به این معنی است که یک ملت

## سخنی با خواننده



# عاشورا

## رمز بقا

## اسلام در تاریخ

در آستانه دهه محرم و ایام عاشورا قرار داریم. دهه محرم سالگرد نهضت خونین و قیام حماسه آفرینی حضرت ابا عبد الله الحسین است. این مصیبت جانکاه را به پیشگاه ولی عصر و به شما امت مسلمه تسلیت عرض میداریم.

لازم است در رابطه با اقامه عزاداری و چگونگی برگزاری مجالس و محافل سخنرانی و روضه خوانی نکاتی را خدمت شما عرض میداریم:

۱. اقامه عزاداری اعم از سخنرانی ها و روضه خوانی ها باید معقولانه باشد و از آنچه که موجب وهن مجالس عزاداری میشود اجتناب بعمل آید و از سوی دیگر، اگر معقولانه نباشد، نمی تواند پیام داشته باشد. اقامه عزاداری در دهه عاشورا هرچه عاقلانه تر باشد بهتر تر حامل پیام خواهد بود محض سوگواری در ایام عاشورا کافی نیست و آنچه که مهم است کیفیت اقامه عزاداری مجالس سوگواری خواهد بود.

۲. عاشورا امسال را تا هنوز هم ویروس کرونا تهدید میکند عزاداران باید در ضمن اقامه عزاداری نکات بهداشتی را رعایت نموده و موجب وقایه خود و دیگران شود.

۳. در سایه تهدید ویروس کرونا بحران اقتصادی دامن گیر جامعه مان شده است. خیرات و نذورات عاشورا اگر در راستای مساعدت به تهی دستان و فقرا و محرومین به مصرف برسد ما به اهداف این قیام نزدیک خواهیم شد.

معیشت نا کافی عده ی در جامعه - اگر نذورات منطقی مصرف نشود - حاکی از نارسایی اندیشه عزاداران در این اوان خواهد بود بنابراین ایجاب می کند که عاشورا از لحاظ اقتصادی وضع معیشت عده را ترمیم نماید.

۴. در سایه عاشورا در زمینه های مختلف باید طرحهای لازم به عنوان پیرو عاشورا برای جامعه مان و جهانیان داشته باشیم. عاشورا سبب سیالیت از بعد فکری و فرهنگی گردد و این فرصت طلایی نباید قربانی نا ملائمت های فکری یا عوام زده گی گردد بلکه سعی شود که فکر عاشورایی، برای نسل امروز و فردایی مان ایجاد گردد.

# کارد از استخوان هم گذشت!

محمد عارف محبی

داشتند؟

اگر داشتند و یا دارند شما کوتاه بیايد تا آنان به آرامی و بدون جنجال افغانستان راجزء خاک پاکستان نموده چیزی بنام افغانستان را از جغرافیای جهان حذف کنند.

اگر جواب منفی هست و ملا عمر و ملا منصور و ملا هبت الله اشخاص بیسواد و عاری از تخصصند و کدام کاریز مای شخصیتی خاصی ندارند و تنها توانایی شان مزدوری برای پاکستان و اهداف آی اس آی هست شما به کجای آنان دل بسته اید؟ صرف بخاطر پشتون بودن شان؟

شما از هر کس دیگر بهتر میدانید که پاکستان و حامیان بین المللی پاکستان و مزدوران طالب اجیر شده ی شان، به کمتر از نابودی نظام افغانستان قانع نیستند؛ در این صورت کمر بستن شما برای تضعیف و نابودی اتحاد شمال و حذف اقوام غیر پشتون از دولت، حکومت و ادارات در حقیقت تلاش برای نابودی افغانستان نیست؟

احتمال این هم وجود دارد که شما با یکجا شدن با طالبان باحمایت پاکستان و آمریکا بتوانید یک بار دیگر تا نود و پنج درصد خاک افغانستان را بگیرید، قتل عامها کنید و سیاست زمین سوخته را بار دیگر اجرا کنید؛ اما به یقین نقاط کوچکی مثل پنج شیر و دره صوف باقی خواهند ماند تا یک شبه تمام خوابهای تان را به کابوس مبدل کنند.

ولی تاکی؟ این جنون قدرت طلبی تا کجا و تا چه زمانی باید ادامه پیدا کند؟ تا چه زمانی؟

آخرش به چه ختم خواهد شد؟ آیا کسی کسی را محو خواهد توانست؟

شما باید بدانید که دشمن از کشتن شما سیر نمی شود و اینبار با استفاده از جنون قدرت طلبی شما علاوه بر اینکه لباس زن افغان را از تنش بیرون کشید و برتن مردانش کرد و تنبان مشاور رئیس جمهور تانرا در ملاءعام بیرون کشید، به ناموس تان دست دراز کرده است. اگر فکر میکنید که بستگان شما از این آفات محفوظند و بلا دپس نوامیس مردم، حرص قدرت طلبی و قبیله پرستی تان را دو چندان کنید

دشمن با تحریک احساسات قبیله ای به راحتی مارا بجان هم انداخته و پشتون در تلاش حذف هزاره و تاجیک و اوزبیک و دیگران در تلاش تضعیف پشتون زیر پای یکدیگر خالی میکنیم و دشمن از این خالیگاه ها به خوبی استفاده میکند.

مردم افغانستان امروز به وحدت، یکپارچگی، همدلی، همدردی و همیاری بیش از هر زمانی دیگر نیاز دارند. عقل حکم می کند که ما از مزدوری و سر سپردگی به بیگانگان باید دست بکشیم و تصفیه حساب های بین خودی را حد اقل به بعد از تصفیه حساب با دشمن بگذاریم.

دولت و بخصوص حکومت افغانستان و بلاخص جنابان کرزی و غنی باید بدانند اینکه در بیست سال گذشته بهترین فرصت هارا با تکیه بر دشمن از مردم افغانستان گرفتند و بجای تکیه بر مردم و ایجاد روحیه ی ملی و توجه به خاک خود، دل به تکیه گاه بیرونی خوش کردند و خاک و منافع میهنی خویش را فراموش کردند و تمام هم و غم خود را بر تضعیف اتحاد شمال قرار دادند و برای رسیدن به چوکی متوسل به نفاق قومی شدند و تصفیه اقوام غیر پشتون را از ادارت سر لوحه ی کاری خویش قرار دادند و برای تضعیف آنان طالب شکست خورده را تنظیم و تجهیز کردند و برای طالب رانده شده و متواری پایگاههای امن در لوگر و بغلان ایجاد کردند و توسط آنان به ترور و نابودی افراد و اشخاص مربوط به اتحاد شمال پرداختند.

گیرم که شما و سران طالبی که امروز در پروسه صلح باشما یکجا می شوند، هزاره و تاجیک و اوزبیک و بقیه اقوام غیر پشتون را بطور کامل نابود کردید آیا پاکستان با خواسته ها و اهدافی که دارد شما آرام خواهد گذاشت؟

آیا آمریکا و انگلیس و اتحادیه ی اروپا و ناتو بجای پاکستان شما را خواهند گزید؟

فکر میکنید ملا عمر و ملا منصور و ملا هبت الله غیر از سر سپردگی به آی اس آی چه توانایی ها و کاریزمای شخصیتی داشتند و یا دارند؟ کدام سواد و تخصص

مباحث مربوط به صلح در افغانستان به هیچ عنوان بحث امروزی نیست، صلح در افغانستان از دور زمانی مطرح بوده و ظاهراً داعیه داران صلح همواره تظاهر به صلح خواهی نموده اند. حکومت داکتر نجیب الله نیز در اواخر عمر سیاسی و پس از آنکه نابودی خویش را نزدیک می دانست داعیه صلح را به راه انداخته و با عوام فریبی تمام دنبال تداوم قدرت خویش بود.

امروز نیز چنین است؛ دوره حکومت حامد کرزی نیز مسئله صلح مطرح گردید. حکومت برای جلب توجه همکاران بین المللی خویش جرگه برگزار نموده و در نهایت شورای عالی صلح را تشکیل داد. شورایی که در طول دوران کاریش با به مصرف رسانیدن میلیون ها دالر هیچ دست آوردی برای افغانستان نداشت. شورایی که صرفاً جهت مصروف ساختن برخی از سیاسیون بیرون مانده از حکومت بود.

چالشهای به وجود آمده در انتخابات ۱۳۹۳ و تشکیل حکومت وحدت ملی بحران سیاسی در افغانستان را شدت بخشیده و طرفین در حکومت وحدت ملی چنان در رقابت و کشمکش های سیاسی و تقسیم قدرت بودند که مسئله صلح کاملاً به حاشیه رفته و صرفاً به شعار های میان تهی اربابان سیاسی تبدیل شده بود. شورای عالی صلح

خودش است از بی عفت شدن هموطنش همانند خون هموطنان شان به راحتی چشمان را بسته و دیده را نادیده و شنیده را ناشنیده میگیرند یا نه؟

طالبان نمیتوانند دست داشتن در این قضیه را رد کنند زیرا به تمام مردم افغانستان معلوم است که بیش از هشتاد درصد این شاهراه بدست طالبان است و بدون اجازه طالبان هیچ گروهی و دزد و راهگیری نمیتواند دست به چنین جنایت هولناکی بزنند. به یاد داریم که در زمان حاکمیت طالبان دزدان حتی تخیل راه گیری را نمیتوانستند.

بنا بر این طالبان بطور قطع عامل این قضیه است و در اینکه طالبان به دستور دشمن در این خاک عمل میکنند و جنایت می آفرینند نیز هیچ شکی نیست؛ اما مهم اینست که دشمن با خلق چنین جنایت بی پیشینه دنبال چه اهدافی است؟

در آستانه ی گفتگوهای صلح و رهایی بی رویه و بدون باز خواست زندانیان طالب از زندانها، دشمن احساس پیروزی و سر مستی میکند و آخرین گزینه را برای نابودی این ملت انتخاب کرده است.

دشمن به وضوح میخواهد بفهماند که حتی تحت فشار آمریکا با پیوستن چند نفر طالب دفتری و پشت میز نشین به پروسه ی صلح، افغانستان روی صلح را نخواهد دید و با استفاده از فرماندهان جنگی و سنگری طالبان به جنایات و خشونت های بی سابقه ای دست خواهند زد. با پیوستن رهبران طالب بصورت رسمی به پروسه ی صلح، دیگر هیچ سازمانی و جریانی بطور رسمی پاسخگو و به گردن گرفتن و نگرفتن جنایات وجود نخواهد داشت اما جنایات به مراتب وحشتناکتر و جنایت بار تر خواهد بود.

بنا بر این مردم افغانستان اگر از این خواب غفلت بیدار نشوند و باز هم کرختی و عدم احساس درد مشترک را پیشه کنند، روزگار سختی در انتظار همگان خواهد بود. تنها تفاوتش در این خواهد بود که امروز من، فردا تو و پس فردا آن دیگری ... برادر پشتون باید بدانند که در حقیقت هدف اصلی و نهایی دشمن پشتون ها است. امروز

گروه اول بنام مخالفین مسلح دولت یاد می شوند، فعالیت این گروه مانند یک فابریکه ذوب انسان است که روزانه باید مقداری کله و پاچه تولید کنند و برای اینها فرق نمی کند که محصولات آنها از کدام طبقه و کدام ملیت است، با هر انفجار تعدادی را سوراخ سوراخ می کنند و کار شان همین گونه ادامه دارد.

گروه دوم بنام موافقین مسلح دولت یاد می شوند، این گروه که ظاهراً با دولت کار می کنند باطنا معلوم نیست طرفدار کی هستند، ولی آنچه در این اواخر معلوم شده است: اینها عاشق زمین و بلند منزل هستند و از هر همواری موجود در پایتخت بلند منزل می سازند و زیاد طرفدار ماستر پلان شهری هم نیستند زیرا اینها ادعا می کنند که شهر ها نباید ماستر پلان داشته باشد، زیرا پلان یک کلمه نا مقدس است و زیاد تر ریشه در فرهنگ غرب و فرهنگ کافران دارد. گروه سوم موافقین مخالفین مسلح دولت هستند، در این گروه بیشتر تکنوکرات ها و استادانی شامل هستند که هیچ گاهی توان برداشتن سلاح را نداشتند و ظاهراً کسی را هم نکشته اند زیرا دل و جرئت کشتن را ندارند، اما اینها همواره از گروه های مسلح دولت به نوعی حمایت کرده اند، این گروه بیشتر دور میز های

## در حال حاضر پنج گروه سیاسی در افغانستان مصروف فعالیت هستند

دکتر اسحاق جواد

گرد و دراز حضور دارند و چون محل تجمع آنها مراکز تحصیلی است گاهگاهی تظاهرات مرموزی به راه می اندازند که تا اکنون دولت از آن درست سر بدر کرده نتوانسته است. گروه چهارم مخالفین موافقین مسلح دولت هستند، این گروه که تعداد شان هم ناچیز است و حرف شانرا کسی گوش نمی کند یک گروه سیاسی بی کفایت است که هشتاد درصد آنرا مامورین پایین رتبه دولت تشکیل می دهد، این گروه در طول ماه جان می کنند که آخر ماه بتوانند پول چند بوجی آرد را پیدا کنند تا اولاد های شان از گرسنگی تلف نشود.

و بالاخره آخرین گروه که هفتاد درصد افراد این کشور را با خود دارد بنام گروه مخالفین موافقین یاد می شود، در این گروه افرادی شامل هستند که عاشق مخالفت هستند و برای شان فرقی نمی کند که چه چیزی جریان دارد، اینها عادت کرده اند که همیشه مخالف موافقت باشند، اینها مخالف تمام نظام های سیاسی کشور بوده اند و هر کسی به قدرت رسیده است او را دشنام داده اند و با اعلان هر برنامه مخالفت کرده اند، این گروه فکر می کنند تنها رمز موفقیت یک ملت در مخالفت او نهفته است

افغان نیوز گزارش داده است که مسیر قندهار - کابل به دلیل اعتصاب رانندگان مسدود شده است.

دلیل این اعتصاب راه گیری دزدان و غارت اموال و داشته های مسافرین واز همه مهم تر پیاده کردن و بردن زنان مسافراست که توسط دزدان به جای نامعلومی برده شده اند.

دشمنان این سرزمین قتل و غارت و کشتار های گوناگونی را بر مردمان این سر زمین تحمیل کردند. ربودن مسافرین و کشتار بیرحمانه آنان در این خاک چیز تازه ای نیست؛ تا جایی که مردمان این آب و خاک را در برابر یک دیگر و در برابر این جنایات کرخت و بی احساس کرده است. این مردم روزی نیست که از رسانه ها قتل و کشتار صدها هموطن و هم سرنوشت خویش را نشوند و نبینند اما انگار این مردم نه میبینند و نه میشوند. همه مصروف روز تیر کردن شده اند و همینکه امروز خودش سالم مانده است مرگ دیگران برایش اهمیت ندارد.

در این میان در طول تاریخ این سرزمین تنها چیزی که حرمتش کمابیش باقی بود مسئله نوامیس مردم بود. بخصوص در مسیر راه ها که تحت هیچ شرایطی کسی به مسافرین زن کاری نداشتند. حتی در زمان حاکمیت طالبان که هزاره ها حق گشت و گزار و رفت و آمد را نداشتند از زنان به عنوان پاسپورت استفاده میکردند. هر مسافر مردی که قصد رفتن به پاکستان یا ایران را داشت یک زن از اعضای فامیل و یا حتی بصورت کزایی همراهش داشت و به بهانه مرضی و تداوی آن زن از مسیر عبور میکرد و مانعی در مسیر راهش به وجود نمی آمد.

اکنون دشمن دست روی نقطه ی حساسی گذاشته است و دست به ناموس مردم دراز کرده تا ببیند که احساسات ناموسی این مردم تا چه حد است؟ دشمن محک میزند تا ببیند آیا این مردم همانگونه که در برابر قتل و کشتار یکدیگر کرخت و بی احساس شده اند در برابر نوامیس شان هم به همین شیوه عبور خواهند کرد یا خیر؟ آیا این مردم همینکه امروز ناموس خودش در خانه و پهلوی

## تکرار پروسه ها ک ناکام

گزارش از حامد

همچنان به فعالیتهای نا موثر خویش ادامه می داد تا اینکه مسئله وزارت صلح مطرح گردیده و ظاهراً وزارت نیز ایجاد شد.

بحران انتخابات ریاست جمهوری اخیر نیز مباحث صلح را از خاطر اربابان سیاسی دور ساخته و سر انجام یک بار دیگر بدون در نظر داشت نتیجه انتخابات حکومت دوسره دیگر البته با نام دیگر تشکیل شد. این ریاست اجراییه برداشته شده و شورای عالی مصالحه تشکیل یافت.

حقیقت امر این است که صلح افغانستان به دست افغانها نبوده و نیست. وارد شدن آمریکا در مذاکره مستقیم با طالبان خود نشان می دهد که اگر قرار باشد صلحی در افغانستان بیاید صلح حکومت و طالبان نه بلکه صلح آمریکا، پاکستان و روسیه است. خلیلزاد مهره ناکام آمریکایی ها در افغانستان اینبار موفق شد تا تفاهنامه ای را با رهبری امارت اسلامی افغانستان به امضا برساند. بر مبنای این تفاهنامه تصمیم گرفته شد تا تعداد ۵۰۰۰ زندانی طالبان از زندانهای افغانستان رها گردند تا زمینه برای مذاکرات بین افغانستان فراهم آید.

زندانی ها آزاد شدند و جرگه جهت آزاد سازی ۴۰۰ زندانی خطرناک نیز فیصله به آزادی آنان نمود و بسیاری بر این باور بودند که به زود ترین زمان مذاکرات بین حکومت





# ما هرچه داریم از مهره و عاشورا هست.

صاحب امتیاز: حرکت اسلامی متحد افغانستان (حاما)  
مدیر مسوول: غلام علی صارم  
سر دبیر: محمد عیسی سروش  
گزارشگران: حاما  
گروه نویسندگان: عزیزالله طهماسی، انجینیر فلاح، فرهاد محض یار  
طراح: مجتبی محمدی  
نشانی:  
کارت سه، کوچه مقابل ناحیه شش شاروالی، دست راست خانه سوم  
نشانی برقی:  
info@uaimp.com  
Web: www.uaimp.com

شماره مسلسل پنجاه و سوم چهارشنبه ۲۹ اسد ۱۳۹۹ \* ۱۹ آگوست ۲۰۲۰

## وعده کاهش خشونت خلیزاد و قتل دوازده هزار انسان در پنج ماه گذشته



در صحبتی که جناب رئیس جمهور غنی داشتند و بی بی سی هم به نشر آن پرداخت حاکی از این است که طی پنج ماه گذشته دوازده هزار افغان به قتل رسیده اند. خلیزاد افغانی الاصل امریکایی که ما اخیراً به پاکستانی بودنش مشکوک شده ایم در بی امضای توافقنامه با طالبان به نمایندگی از امریکا وعده کاهش خشونت و آغاز مذاکرات بین الافغانی را داده بود که اینکه آن همه وعده های داده شده کم کم به نوشته های روی یخ که به آفتاب هم گذاشته شده می ماند. زیرا:

غیرانسانی و اخلاقی است عملاً این همه به مشاهده میرسد. به آتش کشیدن بزرگترین و سابقه دار ترین مکتب در تخار توسط این جانباز بزرگترین دلیل بر اثبات دروغ هاوشیطنت پاکستان و وحشت گروهی که متأسفانه امریکا همراه با نمایند اش خلیزاد که در واقع دلچک پاکستان است، برای مردم مظلوم افغانستان حکومت میسازد. اگر دموکراسی همین است و امریکا هم سردمدار آن، بر هر دو هزاران بار لعنت.

کاهش خشونت آنطوریکه گفته میشد عملاً به تشدید خشونت مبدل گردیده اعمال ضد انسانی مثل قتل، فیر راکت های کور و بی هدف، مین گذاری های بدون هدف در کنار جاده ها و مین های مقناطسی، حملات وحشتناک انتحاری و تروریستی، اختطاف و به آتش کشیدن مراکز تعلیمی که همه اعمال دد منشانه و

## انالله و انا الیه راجعون



شنیدن خبر رحلت جانگداز دوست، برادر و معلم مبارزه علیه ظلم و استبداد و بی دینی سخت مرا متأثر ساخت، مردی که سیمای نورانی و صحبت های شیرینش واقعا انسان را به یاد خدا می اند. در اینکه مرحوم جان آقا قاسمی از پیش گامان نهضت اسلامی در افغانستان است و بوده منکری وجود ندارد. او از مبارزین مسلمان و باحساس و با درایتی بود که شیعه و سنی همه دوستش داشتند. مرحوم قاسمی یکی از مبارزینی است که سالها در جهت هماهنگی مبارزین و مخصوصاً تقریب شیعه و سنی گام های بلندی برداشته که میتواند از اندیشه آن بزرگ مرد در جهت وحدت مسلمین الگو برداری کرد. من این ضایعه بزرگ را نخست به خانواده محترم ایشان و به همه مسلمین و مبارزینی که در خط مبارزه با ظلم و جنایت و نفاق قرار دارند تسلیت عرض نموده برای قاسمی عزیز بهشت برین، به خانواده و سایر بازماندگان صبر جمیل استدعا می نمایم. والسلام

## بیرون رفت از بحران سیاسی موجود

عقب مانده چون افغانستان احتمالاً هر حادثه غیر قابل پیشبینی ممکن است، با در نظر داشت این واقعیت ها باز هم باید دنبال راه حل رفت، پیشنهاد من اینست که برای شکستاندن بن بست سیاسی موجود، با ید عبدالله امتیاز ریس جمهور بودن غنی را بپذیرد با این شرط که این ریاست جمهوری هم مانند حکومت وحدت ملی برآمده از یک تفاهم و مذاکرات سیاسی بین الافغانی تعریف شود نه ریاست جمهوری بیرون آمده از انتخابات، تا لااقل واکنشی علیه تقلب با قوت اش بخاطر انتخابات آینده باقی بماند، عبدالله در مقابل امتیاز رهبری هیت صلح را به عهده گیرد و در مذاکرات با طالب که مذاکرات بسیار دشوار و نفس گیر خواهد بود، اما مجبوراً بلاخره بالای یک مکانیزم رفتن بسوی حکومت عبوری توافق کنند، چون با قدرت طلبی که طالبان دارند راه حل برای آمدن شان وجود ندارد، مگر اینکه همه روی یک حکومت عبوری که وظیفه و فلسفه وجودی آن مساعد ساختن یک انتخابات صدقیصد بایمتریکی باشد توافق کنند، طوریکه غنی و عبدالله و طالب در این حکومت هیچ سهم نداشته باشند، حکومت عبوری در سیمای یک شورای مرکب از چند نفر که تعلق به هیچ یک از این سه جناح سیاسی نداشته باشد ساخته شود، تا زمینه انتخابات آینده در موجودیت طالبان مساعد گردد و اما اعضای کلیدی این حکومت عبوری حق کاندید شدن در انتخابات مذکور را نداشته باشند.

فاز اول صلح طالب با امریکا خواسته ویا نخواستہ زمينه ای را بوجود آورده که دارد صفحه جدید در سرنوشت سیاسی و نظامی کشور رقم میخورد که میشود عنوان آن را صلح و متن آنرا مقدمه برای برگشت به زندگی نورمال مدنی و پیوستن به کاروان تمدن بشری نوشت، در - گفتمان برگشت به صلح- چالشهای جدی و بسیار مرموز با عوامل خارجی و داخلی بسیار پیچیده همچنان وجود دارد که بسادگی بخصوص با زبان نصیحت و یا حرفهای روشنفکرانه و ارزشی قابل حل نبوده و نمیشود با چنین طرز تفکر وارد مذاکره با طالب شد، چون فلسفه وجودی طالبان را کشتار و انتحار میسازد، وهدف شان نه صلح بلکه قدرت است که میخواهند از موضع زور بدان برسند، نباید طالب و مذاکرات صلح با طالب را سطحی گرفت و حضور در مذاکرات صلح را حیثیتی ساخت واز آن منحیث امتیاز دهن پُرکن استفاده نموده به آغازگانه گان که دهن شان هنوز بوی شیر میدهد رشوه داد و فرصت بدست آمده را بار دیگر ضایع ساخت !!

دوستان بیائید برای بیرون رفت از بن بست موجود سیاسی بین دو جناح باید بیرون از پیشداوری های خود وارد این بحث شویم، چون همه میدانیم که فضای جامعه مشبوعاً دگرگونی های سلیقه یی و متأثر ا گرایش های فردیست، باز هم کاردانی و عقلا نیت سیاسی اقتضاء میکند که گذشته از هر دیدگاه خوب و یا بد نسبت به افراد و اشخاص موجود در عرصه سیاسی کشور، با واقعیت سیاسی نه ارزشی و سلیقوی نگاه کنیم، چون در کشور

## تکرار پروسه ها...

مذاکرات میان کدام نهاد ها صورت خواهد گرفت؟ بدیهیست که آمدن صلح در افغانستان قدرت سیاسی تقسیم شده میان گروه های موجود را بر هم زده و ساختار جدید تقسیم قدرت در کشور به وجود خواهد آمد. ما به این باور هستیم که این ساختار قدرت در حال حاضر توانسته است قناعت حد اقل گروه های حاکم بر قدرت را فراهم آورد؛ لذا این گروه ها تلاش خواهند نمود تا مذاکرات صلح حد اقل تا انتخابات ریاست جمهوری آینده آغاز نگردد. زیرا آغاز مذاکرات و احیاناً نتیجه مذاکرات ساختار تقسیم قدرت در کشور را بر هم می زند و این مسئله در حال حاضر خواست حکومت نیست. شورای عالی مصالحه نیز مانند شورای عالی صلح به هیچ عنوان کارایی لازم را نخواهد داشت زیرا استراتژی عملی و حقوقی برای فعالیت های این شورا وجود ندارد.

افغانستان و طالبان آغاز خواهد شد. با وجود اینکه هنوز ۴۰۰ زندانی باقی مانده به صورت کامل آزاد نشده اند اما اگر آزاد هم شوند مذاکرات شروع نخواهد شد. زیرا آمدن صلح در افغانستان نه اراده حکومت است و نه اراده طالبان. سخنان اخیر سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر نشان میدهد که طالبان در صورتی به صلح تن خواهند داد که ساختار حکومت و قانون اساسی تغییر کند. اینکه سخنگوی طالبان بارها مطرح نموده است که حکومت افغانستان را به رسمیت نمیشناسد و در این اواخر نیز از جانب طالبان این مسئله مطرح شده است؛ خود نشان می دهد که هنوز زمان زیادی تا آغاز مذاکرات صلح در افغانستان باقی مانده است. سرنوشت حکومت نیز نا مشخص است، هنوز چالشهای فراوانی حتی در معرفی وزرا به پارلمان کشور وجود دارد؛ شورای عالی مصالحه هنوز شکل نگرفته است و هیچ مکانیزم حقوقی تعریف شده مبنی بر فعالیت ها و صلاحیت این شورا وجود ندارد. همه موارد فوق نشان می دهد که حکومت اراده ای برای آغاز مذاکرات صلح ندارد؛ اگر هم اراده ای وجود داشته باشد طالبان حکومتی را با نام جمهوری اسلامی افغانستان به رسمیت نمی شناسند با این حساب

## غنی: هیچ تضمینی وجود ندارد...

جریان است همه به ضرر کشور و مردم افغانستان بوده و همه توسط یک نفر پاکستانی الاصل افغانی امریکایی یعنی خلیل زاد میباشد که تحت عنوان نمایندگی از امریکا خواست های ظالمانه و غیر انسانی پاکستان را به کشور ما تحمیل می نماید. امیدوارم که سیاسیون امریکا متوجه این مسئله شوند و بیش از این با عث در بدری مردم کشور ما نگردند، صلحی که خلیزاد بشما وعده داده دروغ و فریبی بیش نیست.

از افراد امنیت ملی که توسط طالبان دستگیر شده اند به ارتش پاکستان سپرده شده که همه در بند نظامیان وحشی پاکستان است، آیا از این مجموعه کسی در بین این افراد رها شده بوده یا خیر. به نظر ما اعمال صورت گرفته تا هنوز کاملاً به ضرر مردم افغانستان بوده و در قسمت منافع ملی این کشور و کسانی که بدون هیچ گونه مداخله در جنگ های طرفین به شهادت رسیده و هزاران خانواده ای که از این چند سال اخیر شدیداً متضرر گردیده است اصلاً توجهی نشده و آنچه در حال